

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۲ آبان ماه ۱۳۱۶ *

فهرست مطالب

- ۱ - تصویب صورت مجلس
۲ - شورا اول لایحه فروش خالصجات اطراف طهران
۳ - شورا اول لایحه مالیات برارث و انتقالات بلاعوض
۴ - موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه

(مجلس يك ساعت و بیست دقیقه پیش از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس یکشنبه ۲۵ مهر ماه را آقای مؤید احدی (منشی) قرائت نمودند **

[۱ - تصویب صورت مجلس]

را مورد مطالعه قرار داده و با توضیحاتی که آقای وزیر
مالیه در اطراف مواد آن دادند با عین مواد پیشنهادی
دولت موافقت حاصل شده اینک گزارش آن برای شور
اول تقدیم میشود

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ آقای اعتصامزاده
اعتصامزاده - بنده را جزو دیر آمدگان بی اجازه
نوشته بودند بنده کتباً اجازه خواسته بودم

رئیس - چون لایحه بنظر آقایان رسیده است . بنا بر
این قرائت نمیشود مذاکره در کلیاتست مخالفی نیست؟
(مخالفتی نشد) رأی گرفته میشود بورود در شور مواد
آقایان موافقین قیام فرمایند

رئیس - رسیدگی خواهد شد. صورت مجلس تصویب شد
[۲ - شور اول لایحه فروش خالصجات]
رئیس - لایحه فروش خالصجات برای شور اول
مطرح است خبر کمیسیون قوانین عدلیه قرائت میشود

(اغلب بر خاستند)

(بشرح ذیل قرائت شد)

رئیس - تصویب شد . مذاکره در مواد است . ماده

کمیسیون قوانین مالیه با حضور آقای وزیر مالیه لایحه

نمره ۲۹۴۶ دولت راجع بفروش خالصجات اطراف طهران اول قرائت میشود

(مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

* عین مذاکرات مشروح دهمین جلسه از دوره یازدهم قانون گذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه - آقایان : فرشی - لبقوانی - امیر ابراهیمی - دبیر سهرابی - معدل - قوهی - دهستانی - مشار - توانا - دکتر انهم
عباس مسعودی - اعظم زنگنه
دیرآمدگان بی اجازه - آقایان : عراقی - ملک مدنی - صدر - دکتر جوان - اعتصامزاده - وکیلی .

ماده ۱- از تاریخ اجرای این قانون تا ده سال دولت مجاز است کلیه خالصجات اطراف طهران را به استثنای رقباتی که نگاهداری آنها را از لحاظ مزایع عمومی لازم بداند مطابق مقررات این قانون بفروش برساند

رئیس - ماده دوم قرائت میشود

ماده دوم - فروش خالصجات بطریق مزایده به عمل خواهد آمد باین ترتیب که کمیسیون مرکب از سه نفر به انتخاب وزارت مالیه تشکیل خواهد شد کمیسیون مزبور پس از کسب نظر از سه نفر خبره حد اقل بهای هر یک را که از ده مقابل منافع خالص حد وسط سه ساله آخر کمتر نخواهد بود معین و نشر آگهی میدهد

رئیس - مخالفی نیست . ماده سوم قرائت میشود

ماده سوم - هر خالصه که پنجاه هزار ریال یا کمتر بهما داشته باشد فقط در مقابل وجه نقد فروخته خواهد شد سایر خالصجات را میتوان با قساطی که مدت پرداخت آن از پنج سال تجاوز نکند فروخت مشروط بر اینکه ربع بها و اگر ربع بها پنجاه هزار ریال یا کمتر باشد لا اقل پنجاه هزار ریال نقداً تأدیه گردد .

سایر شرایط فروش بموجب نظامنامه های وزارت مالیه معین میشود

رئیس - آقای عراقی

عراقی - اینجا معامله که وزارت مالیه میخواهد بکند مینویسد سایر شرایط فروش مطابق نظامنامه ایست که وزارت مالیه معین خواهد کرد . این نظامنامه ایست که بعد از وزارت مالیه خواهد نوشت و بنده تصور میکنم برای رفع اشکال بهتر این است که نوشته شود نظامنامه که برای فروش خالصجات نوشته میشود بتصویب کمیسیون قوانین مالیه خواهد رسید

رئیس - پیشنهاد میکنید ؟

عراقی - بلی

رئیس - ماده چهارم قرائت میشود

ماده ۴ - نسبت بوجوه حاصله از فروش خالصجات طبق ماده ۶ قانون مصوب دیماه ۱۳۱۲ عمل خواهد شد

رئیس - ماده پنجم قرائت میشود

ماده ۵ - وزارت مالیه مجاز خواهد بود خالصجات واقعه در خوزستان ایذه و دشتستان و قسمتی از بنادر جنوب و قطعات دیگر را که برای اسکان زارعین لازم باشد مطابق نظامنامه هیئت وزراء یا بلا عوض بانها واگذار نماید

رئیس - رأی گرفته میشود برود در شور ثانی آقایانیکه موافقت دارند قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد . پیشنهاد آقای عراقی بکمیسیون رجوع میشود

[۳ - شور اول لایحه مالیات بر ارث و انتقالات

بلا عوض]

رئیس - شور اول خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع به مالیات بر ارث - خبر کمیسیون قرائت می شود

(بشرح ذیل خوانده شد)

کمیسیون قوانین مالیه لایحه نمره ۳۰۹۱۶ دولت راجع بمالیات ارث را با حضور آقای وزیر مالیه تحت شور و مذاقه قرار داده و باتوضیحاتی که آقای وزیر مالیه در اطراف مواد آن دادند با اصلاحاتی مواد زیر تنظیم و چون آقای وزیر مالیه تقاضای یک فوریت لایحه نام برده را در کمیسیون مسترد داشتند اینک گزارش آن برای شور اول تقدیم میشود

رئیس - خاطر آقایان مسبق است که لایحه خیلی مفصل است البته ملاحظه فرموده اند آقای اعتبار

اعتبار - (مخیر کمیسیون قوانین مالیه) - این جا یک کلمه در ماده ۲ افتاده است (مطالبات وصولی) کلمه (وصولی) افتاده باید اضافه فرمایند

فرید احمدی - صحیح است بنده هم پیشنهاد کرده ام . رئیس - آقای کاشف . (اجازه)

کاشف - بنده خواستم استفاده کنم و برای یاد آوری مطالبی که سابقاً هم به آقای وزیر مالیه عرض شده بود در موضوع مالیات بر درآمد و بعداً این لایحه تقریباً بعنوان متمم بمجلس آمده آن مطالب را در نظر بگیرند و نواقصی که در عمل

بود رفع نمایند نواقصی در مالیات بر درآمد بود و توضیحاتی داده شد و خودشان قبول فرمودند که آن معایب را رفع فرمایند برای اینکه چه در موضوع این مالیات و چه در مالیات بر درآمد نواقصی مشهود است که بایستی اصلاح شود و اگر نواقص دیگری هم باشد کم در عمل رفع میشود البته هم برای مؤدیان و هم برای مأمورین سهولتر خواهد شد . در موضوع کلیات این لایحه هم عریضی داشتم و تصور میکنم اشکالی که پیش میآید در عمل است و الا لایحه بسیار خوبی است و میزانی هم که معین شده است خیلی قلیل و عادلانه است این بود که خواستم یاد آوری کنم که در موقعی که نظامنامه های عمل و اجرا تهیه می شود از طرف وزارت مالیه مشکلاتی که فعلاً در وصول مالیات بر درآمد هست طوری نظامنامه ها تهیه شود که این اشکالات بر طرف شوند باب مثل عرض میکنم یکی موضوع خسارت تأخیر تأدیه است البته از نقطه نظر مالیه برای اینکه مالیات زودتر وصول شود خیلی خوبست ولی در عمل دیده میشود که واقعاً خیلی زیاد است و در واردی این خسارت تعلق میگیرد که هیچ حق نیست فرض بفرمائید اختلافی هست مابین مؤدی مالیات بامالیه یا اینکه مؤدی مطابق یک اصولی عوائد خودش را عرضه میکند و اظهار نامه میدهد بعد یک اختلافی پیش می آید در اختلاف ممکن است مؤدی قصوری نکرده باشد در اظهار نامه هم صحیح نوشته باشد ولی اختلافاتی پیش بیاید و بالاخره باصلاح خاتمه یابد و راجع به آن مابه التفاوت یا مابه الاختلاف خسارت تأخیر تأدیه و جریمه گرفتن یک موضوعی است که بعقیده بنده حق نیست و بعلاوه اغلب هم دیده شده است که علاوه بر آن مالیاتی که باید بدهند باید خسارتی هم علاوه بدهند که در اغلب موارد قابل تحمل نیست کما اینکه این میزان در اینجا قلیل پیدا کرده خسارت تأخیر تأدیه به صدی یک و نیم قلیل پیدا کرده بنده میخواستم که پیشنهاد کنم که صدی یک باشد که مطابق میزان قانونی است که فعلاً در دست است و این قلیل چیزها گاهی پیش می آید و اتفاق می افتد که اسباب زحمت میشود و باید اصلاح شود

و غیر مالیه - اگر چه تذکر آقای نماینده محترم بیشتر مربوط بود بمالیات بر درآمد ولی چون هر دو موضوع ممکن است در این قانون هم مصداق پیدا کند از این جهت جواب عرض میکنم اولاً این جریمه تعویق بطوریکه استحضار دارند برای این است که حقیقتاً اشخاص متوجه باشند سر موعد بیایند و اظهار نامه شان را بدهند و بعد هم دنبال کنند و تکلیفشان معلوم شود و آن تنبلی که بعضی دارند

که این مطالب را در درجه دوم و سوم حساب میکنند آن تنبلی رفع شود. و این يك تهدیدی است برای رفع آن تنبلی ولی در مواردی که معین است و در موعد مقرر شخصی واقعاً بجهاتی از جهات برایش میسر نبوده که بیاید اعتراض را بدهد یا این که تأخیر در نتیجه اختلاف بوده است اختلافی که هنوز تصفیه نشده است و تکلیفش معین نشده است با وجود اینکه این اختلاف تصفیه نشده معذلك در وزارت مالیه اغلب ما این قبیل جریمه را نمیگیریم و تخفیف میدهم یا يك مبلغ خیلی کمتری میگیریم و این رعایتها خیلی میشود در حقیقت يك اشخاصی که در نتیجه اختلاف تشخیص داده میشود واقعاً این اختلاف وجود داشته است هیچوقت از آنها جریمه نمیگیریم و همچنین راجع باینکه بعد از مدتی دیگر رسیدگی نمیشود آن را هم اگر بنا باشد که طرف هر موقعی که آمد اظهار نامه داد و یا نسبت به اظهار نامه خودش در موقع اعتراض نکرد و موقع همیشه برایش باز باشد که هر موقع میخواهد برود بکمسیون اعتراض بدهد این دیگر البته اقدامی نخواهد کرد این است که چه در قانون مالیات بر درآمد و چه در این قانون بعد از موقع حق او اسقاط میشود ولی باز وزارت مالیه چنانچه در بعضی اوقات از نظر کمیسیونها استفاده میکنند این مسائل را بکمسیون مراجعه میکنند چنانچه آقا هم که عضویت کمیسیونها را دارید اطلاع دارید که در این موارد هم که حقیقت بکلی ساقط شده و نمی باید بکمسیون برود معذلك ما مراجعه کرده ایم بکمسیون چون خود وزارت مالیه هم میل دارد که جریمه را که اخذ میکنند عادلانه باشد و زیادی از کسی نگیرد باین جهت این دو موضوع در قانون لازم است برای جلوگیری از مسامحه و تنبلی مؤدیان. از طرف دیگر وزارت مالیه نظر ارفاق را همیشه رعایت میکند و اگر کسی واقعاً بجهتی از جهات نتوانسته است و مسافر بوده است و ناخوش بوده است و نتوانسته است مراجعه کند یا اینکه مالیاتش را بپردازد یا اینکه اعتراض را در موقع خود نداده است بعلت اینکه مسافر

بوده یا مریض بوده است البته ما از او می پذیریم و قبول می کنیم نه جریمه اخذ میکنیم و نه مضایقه میکنیم که این امر بکمسیون برود و در نظامنامه ها هم البته با تجربیاتی که ما در قسمت مالیات بر درآمد پیدا کرده ایم در نظامنامه هم که برای این قانون خواهیم نوشت تمام این نکات را رعایت خواهیم کرد و خاطر آقایان از این حیث راحت باشد.

رئیس - رأی گرفته میشود برود در شور مواد آقایان موافقین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود

فصل اول - ارث

ماده ۱ - هرگاه در نتیجه فوت شخصی اعم از فوت حقیقی یا فوت فرضی اموالی ارثاً بکسی برسد طبق مقررات ذیل مالیات اخذ خواهد شد.

رئیس - آقای نقابت

نقابت - عرض میکنم شاید ما کمتر کشوری سراغ داشته باشیم که از حیث مالیات کمأ و کیفأ حد اقل مالیات هائی را که ما دریافت میداریم معین کرده باشد مالیاتهای که گرفته میشود در ایران البته حد اقل مالیاتهای ممکنه است و عادلترین مالیاتهاست و اگر يك اجحافات سابقاً بوده است حالا بکلی رفع شده است و مالیات ارث هم که فعلاً مطرح است يك مالیات عادلانه ایست برای اینکه میراثی که بورات میرسد يك مالی نیست که با کدیمین و عرق جبین پیدا کرده باشد بلکه مالی است که از دسترنج پدران آنها و کسان آنها بدست آمده و تهیه شده است و بطور اتفاق و گاهی بی خبر مثل اینکه گنجی پیدا کرده باشد باورسیده است بنا بر این اشکالی ندارد که از این محل يك مالیاتی هم بدولت بپردازد. اما عرضی که بنده داشتم و اجازه خواستم برای این است که چند ماده از این مواد يك قدری بنظر بنده روشن نیامد و خواستم اعلام کرده باشم و در عمل هم گاهی دچار مشکلات خواهند شد یکی از آنها ماده دهم

است که طبقات مالیات باید معلوم و معین کرده است و اشخاص مؤدی را از نظر طبقات سه طبقه تقسیم کرده اند اولی و دومی و سومی. اولی تا صدی پنجم دومی بیشتر و سومی تا صدی پانزده مالیات میدهد. بنده فلسفه اختلاف بین طبقات را نتوانستم بفهمم. البته ممکن است اینطور باشد که چون طبقه سوم دور تر است بشخص متوفی ممکن است که استفاده دورتر از انتظاری کرده باشد اما اگر این وارث است که در مقام و قاعده ارث فرق نمی کند ممکن است شخصی بمورد وارث طبقه اول و دوم نداشته باشد و طبقه سوم بلافاصله وارث او میشود اگر هم داشته باشد که طبقه اولی مانع وصول ارث باو میشود مگر بعنوان رد و فرض که در قانون ارث مقرر است باز این اختلاف اگر نمی بود که اصلاح بین طبقات ممکن می بود بد نبود و شاید بعضی ها در خارج تذکر میدادند که این موضوع خیلی لزومی ندارد و ممکن است طبقه اول را هم مثل همان طبقه سوم صدی پانزده قرار بدهند و این بهتر است از اینکه اولی صدی پنج باشد و این عکسش هم ممکن است. در هر صورت بنده میخواستم بدانم که این اختلاف در طبقات از چه نظر است قسمت دوم راجع باملاک وقف است که در ماده نوزدهم نوشته شده ...

رئیس - آقا راجع بماده اول صحبت فرمائید.

نقابت - خواستم مطالبی را بطور کلی عرض کرده باشم که در مواد خودش اتلاف وقت نکنم و حق داشتم چون در ماده اول میشود در طبقات هم بحث کرد در ماده نوزدهم راجع بوقف ذکر میشود که در ظرف يك ماه از تاریخ اطلاع از تاریخ اطلاع کی؟ واقف؟ که خودش وقف کرده است ...

اعتبار - در کجا است؟

نقابت - در ماده نوزدهم در مورد صلح و وقف سطر اول صفحه هشتم ...

اعتبار - لایحه دولت است؟

نقابت - نخیر خبر کمیسیون قوانین مالیه برای شور اول

که در سر صفحه آن اعضای حضرت عالی زاهم دارد. ملاحظه فرمائید. در صفحه هشتم سطر اول میگوید: در مورد صلح در ظرف يك ماه از تاریخ وقوع معامله و در مورد وقف و حبس و نذر در ظرف يك ماه از تاریخ اطلاع اعتبار - صحیح است

نقابت - این جا مراد از (اطلاع) اطلاع کی است؟ اگر اطلاع واقف است که خودش وقف کرده است و اگر اطلاع حبس کننده و نذر گشته است که خودش حبس و نذر کرده است. شاید مقصود از تاریخ تصرف دادن ملک بوقف باشد یا در ظرف یکماه بعد از این تاریخ یا یکماه بعد از تاریخ دادن اظهار نامه این است که این مبده معلوم نیست خاصه که جریمه و نتیجه تخلفی هم در مواد بعد دارد پس این موارد باید روشن و بخوبی معین بشود و البته در شور دوم مراعات خواهد شد (صحیح است) یکی دیگر در ماده بیست و پنجم راجع به قیم بود که در ماده بعدش مینویسد. او هم در ظرف مدتی مسؤل است قیم نسبت باشخاص مجبور غالباً کسیکه فوت میکند مدعی العموم مطلع نمیشود از فوت او مگر اینکه يك نفر از کسانش یا اشخاص دیگری اعلام فوت کنند تا بعد از طرف پارک برای او نصب قیم شود در هر صورت خود این تشریفات قانونی برای نصب قیم مدت متمادی وقت لازم دارد آنوقت صغیر و کبیر هر دو هستند این تکلیف اگر نسبت بطبقه اول است ممکن است که طبقه اول درش مجبور باشد ممکن است برای طبقه دوم گفته باشند ولی او که ارث برنده نیست تا تکلیف داشته باشد و چون مجازات برایشان معین میشود و اگر نشد البته مجازات و جریمه بآنها تعلق میگیرد پس این نکات باید کاملاً رعایت شود که وقتی قیم مسؤل است البته از تاریخ نصب قیم تا يك مدتی باید مهلت معین شود. يك جزء خیلی طرف احتیاج بتوضیح هم ماده بیست و هفتم است راجع به مخفی داشتن مأمورین. اطلاعات مربوطه بعیراث را که قید شده است این اطلاعات را عمرانه نگاه دارند يك نکته هم در مورد مالیات

بر درآمد بود که بان برخورداریم و خیلی مورد احتیاج بود و آن ماده هشتاد و یک و هشتاد و دو از قانون آزمایش اصول محاکمات حقوقی بود که تصریح می کند اگر اسناد و دلائل و مدارکی طرفین محاکمه داشته باشند میتوانند از محکمه تصدیق بخواهند و بروند بموجب آن اسناد خودشان و مدارک خودشان را از آن اداره که در آنجا هست بگیرند و مورد استفاده قرار بدهند بعد تبصره ماده هشتاد و دو میگوید که اگر محکمه هم تصدیق نداد و تقاضا کتبی بود آن اداره مکلف است که بدهد البته این قسمت کمتر اعمال می شود ولی آن قسمت اولی بیشتر خوب ممکن است یک مواردی اختلاف پیش بیاید و تصدیقی برای ارائه اسناد مدارک خواسته شود در این صورت وقتی این ماده گذشت در جزو این قانون بدیهی است ماده بعدی وارد بر آن مواد سابقی است و این ماده که قید می کند که آن اطلاعات عمرانه نگاه داشته شود ممکن است با تصدیق محاکم هم این اطلاعات را ندهند و ممکن است که دعاوی عمده مردم روی میراث و اموال و سهم الارث پیدا کنند و تصدیقاتی بخواهند از مؤدیان و آنها هم امتناع کنند و ندهند و بگویند عمرانه است خوب است این قسمت را هم اصلاح بفرمایند که غیر از مورد ماده هشتاد و یک و هشتاد و دو از قانون اصول محاکمات حقوقی در بقیه مواردی که مکلفند عمرانه نگاه دارند که هم اصلاح این قسمت بشود و هم رویه قضائی رعایت شده باشد.

رئیس - آقای اوحدی (اجازه)

اوحدی - بنده عرایض در کلیات لایحه بود و آن مرفعی که به بنده باید اجازه داده شود اجازه داده نشد یعنی نوبت نرسید و حالا وارد در مواد شده ایم و در ماده اول میشود در کلیات هم صحبت کرد حالا اگر مجلس اجازه می فرماید که بنده عرض خودم را در کلیات بکنم که عرض کنم . . . (نماینده گان - بفرمائید)

وزیر مالیه - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید

وزیر مالیه - آقای نقابت سؤال میفرمودند که اختلاف بین این طبقات از چه جهت است؟ بنده تصور کردم خیلی مطلب روشن است البته اشخاصی مثل پسر و اولاد انتظار دارند که وقتی والدین شان فوت می کنند یک چیزی به آنها برسد و این یک چیزی است که در زندگانی شخصی خودش روی آن حساب کرده است که در موقع و بعد از مدتی فلان چیز باو میرسد البته مالیات این ارثی که یک موقعی باو برسد این قدر زیاد نباید باشد تا آن شخصی که شاید تصور این را نمی کرده که چندین نفر بیش از او بمرند تا یک ارثی به او برسد ولی اتفاقاً آن اشخاصی که ماقبل او بوده اند مرده اند و از بین رفته اند و این ارث منحصرأ به این شخص میرسد این استفاده خیلی اتفاقی است و در واقع مال و وجه باز یافتی است که باین شخص رسیده است و باید قاعده مالیاتش بیشتر باشد (صحیح است) تا برای یک کسی که والدینش میمیرند یا زن و شوهر این خیلی محرز و مسلم است و در همه مالیات های ارثی دنیا این اختلاف را بین طبقات گذاشته اند و شاید بیشتر از این جا هم طبقات را ذکر کرده اند در بعضی جاها شش طبقه معین کرده اند از نظر قرابت و دور و نزدیکی این است که بیش از این دیگر در این موضوع که خیلی روشن است توضیح نمیدهم اما در مورد دوم که راجع به ماده نوزدهم بوده در مورد صلح از تاریخ وقوع است ولی در مورد وقف و حبس در ظرف یک ماه از تاریخ اطلاع البته اطلاع از تاریخی است که شخص خودش میدهد از اینکه فلان ملک را وقف کرده است بعد از یک ماه از تاریخی که وقف واقع شد میشود اطلاع داد و ممکن است بنویسیم که بعد از آنکه وقف واقع شد و این را ممکن است در شور دوم به یک ترتیبی اصلاح کنیم و بنویسیم که یک ماه بعد از وقف واقف مکلف باشد این اطلاع را بدهد این اشکال چندانی ندارد اشکال دیگرشان که توضیح خواستند در ماده بیست و هفتم بود که فرمودند ممکن است مقرراتی که در مواد هشتاد و یک و هشتاد و دو قانون اصول محاکمات حقوقی دارد در مورد

محاکمه شخصی مراجعه میکند خودش یا بوسیله تصدیق محکمه که اطلاعی کسب کند یا مدارکی را بدست آورد این ماده منع کرده است این طور نیست در این جا تذکر داده شده مگر در مواردی که وظیفه شغلی آنها دادن اطلاعات نام برده را ایجاب نماید یکی از آن موارد هم همین مورد است که فرمودید (صحیح است) که اگر از محکمه تصدیق آوردند و اطلاعاتی خواستند اینجا البته بر وظیفه شغلی او ایجاب میکند که بدهد و منظور این ماده فقط راجع بمواقعی است که وقتی وظیفه شغلی او ایجاب نمیکند نرود خودش در خارج و این اطلاعات را همینطور بدهد قسمت راجع بقیم راهم که مربوط بماده بیست و پنج بود و تذکر دادند که تعیین قیم یک مدتی ممکن است طول بکشد عرض میکنم بعد از آنکه کسی قیم شد و اطلاع پیدا کرد از وضعیت صغیر آنوقت ممکن است که اطلاع بدهد و این هم مدتش دو ماه است و کم نیست و ضمناً اگر یک معاذیر موجهی داشت برای دادن اظهار نامه باز پذیرفته خواهد شد و البته اگر این قیم دیر انتخاب شد و نتوانست در این مدت آن اطلاعات لازم را بدهد البته این عذر موجه او پذیرفته خواهد شد و اشکالی در این قسمت نخواهد بود و البته اشکالات دیگر را هم در موقع خود و در شور سایر مواد جواب عرض خواهم کرد.

بعضی از نمایندگان - صحیح است مذاکرات کافی است

رئیس - آقای اوحدی

اوحدی - این بنده در اساس این لایحه معتقدم که بهترین لوایح قانونی دولتی است که بمجلس شورای ملی پیشنهاد شده از نقطه نظر توافق این لایحه با روح دیانت و اسلامیت این کشور از این جهت موافقت نامه برای همه آقایان حاصل است و هیچکس مخالفت ندارد زیرا بدون تقدیم یک چنین لایحه خود ملت بالطبع والرغبه حاضر است که تالک از اموال خود شراهم بحکم دیانتی و مطابق احکام نبوی م بدهد بخیرات و میراث وقتی که بنا باشد تا این اندازه خود ملت حاضر باشد پس فقط در اجرائیاتش باید رعایت بشود بنابر این

با اصل و اساس مالیات بر ارث هیچ قسم مخالفتی بنظر این بنده نخواهد رسید ممکن بود تنظیم این لایحه طوری بشود که کمتر در اطراف آن مذاکره بشود ملتی که خودش حاضر است که خمس بدهد صدی بیست و زکوة بدهد صدی ده پس این صدی ده و صدی پانزده را بایستی طوری در این لایحه تنظیم کرد که بالطبع والرغبه حاضر شود و صدی بیست بدولت بدهد تازه وقتی که صدی بیست هم بدهد هیچ طوری نمیشود صدی ده هم بدهد هیچطور نمیشود تازه ثلث هم بدهد صدی سی و سه باز هم هیچطوری نمیشود پس در اطراف مقدارش بنده عرضی ندارم ولی برای اینکه تماس پیدا نکند امور مالیه با افراد بعقیده بنده مقتضی بود یک قسمت هائی را بکلی از مطالبه مالیات معاف بکنند اولاً نوشته شود هر کس هر گاه بمقدار خمس یا ثلث یا عشر مالش را وقف کرد و بدست وقف داد سایر ورثه اش دیگر نباید مالیات بدهند و قتی که بنده ملتفت شدم که ورثه من بعد از آنکه من باندازه خمس مالم را وقف کردم دیگر کسی مزاحم وارث من نیست من خودم در زمان حیات خودم خمس از مالم را وقف می کنم و میدهم بدست خیرات و میراث که مصرف کنند و شاید تا ثلث آن هم حاضر باشم بدهم یک قسمت این جا زحمت فوق العاده متحمل شده است وزارت مالیه برای کسب اطلاع و بچندین نفر متوسل شده که این ها همه مکلفند اطلاعات خودشان را بدهند بنده عرض می کنم طبق قانون مدعی العموم و کمیسرها که حالا بلفظ دیگر ادا میشود (یکی از نمایندگان - کلانترها) بلی کلانترها و این ها همه مکلفند هر کسی مرد فوراً اطلاع بدهند بسیار که و اگر صغیر دارد فوری بیایند صورت بر دارند از اموال اویس وقتی که ما یک چنین قانونی و مقرراتی داریم که مدعی العموم و کلانتریها را مکلف کرده است با اقدام دیگر محتاج نیستیم که متوسل بفلان پزشک بشویم که پروانه دفن او را داده است که او برود اطلاع بدهد یا قبر کن برود اطلاع بدهد یا فلان این اطلاع را بدهد اگر ما متوجه می کردیم بکلانتریها و مدعی العمومها این قسمت را بهتر بود و

اگر صورت دارائی را هم لو آنها میخواستند این هم خیلی سهل تر و آسان تر بود و دیگر محتاج باین نبودیم که این اشخاص این اقدامات را بکنند صورت می آمد جلوی مأمور مالیه محل و از روی صورت دارائی را تشخیص میداد و اگر مشمول بود تشخیص میداد و محتاج نبود باین که این اقدامات را بکنند، نکته دیگر که میخواستیم عرض کنیم این است که تصور می کنم با این جریان زحمت وزارت مالیه بیش از انتفاعش بشود يك صد يك معین کرده فرض میکنیم فلان آدم مرد و صد هزار تومان دارائی داود از صد هزار تومان مطابق این قانون نسبت به طبقه اول یکهزار تومان گیر دولت می افتد اگر استثنایش را هم بگیرند یعنی آن دو هزار و پانصد تومان را که برای هر يك از وراثت قرار داده آن را هم بگیرد تازه هزار تومان میگیرند ولی تالیست و پنج هزار ریال را هم معاف کرده اند فرض می کنیم يك نفر مرد صد هزار تومان دولت دارد ده نفر هم وارث دارد نسبت به هر يك نفر که بیست و پنج هزار ریال سهم الارثشان معاف است سهم ده نفر که رفت چقدرش میماند؟ هفتاد و پنج هزار تومان. مالیات هفتاد و پنج هزار تومان را که حساب کنیم دولت از این چه گیرش می آید (بعضی از نمایندگان - هیچی) بنده تصور می کنم که خیلی عاید نمیشود. اما در قسمت طبقاتیش فوق العاده خوب است طبقه دوم بیشتر میدهد طبقه سوم زیاد تر میدهد این یکی از نظریات فوق العاده عادلانه است چرا؟ چونکه طبقه اول است که گرفتاری دارد يك پدری میمزد چهار تا پنج تا اولاد صغیر دارد. این اولاد صغیر باید زندگی کنند تا کبیر شوند اما طبقه دوم و سوم که بارش میرسد خودش کمی است صاحب همه چیز هست يك چیز باز یافتی گیرش می آید ارث عمه یا خاله گیرش افتاده است از این جهت اگر اضافه از او گرفته شود اهمیتی ندارد پس بنا بر این مقتضی بود که قسمت ارفاق نسبت به طبقه اول بیشتر بشود و يك ماده هم اضافه شود که کلیه این مالیاتی را که دولت می گیرد اختصاصاً صرف معارف و صرف مرخصانها و صرف این قبیل کارهای عام المنفعه بشود وقتی

يك چنین ماده در این لایحه تنظیم شود آنوقت به بیند و کلای مجلس اول کسی هستند که تابع این قانون میشوند (صحیح است) آنوقت همه هر چه دارند تا حد ثلث را که اختیار دارند وقف میکنند و دست دولت میدهند که صرف معارف بشود صرف بیمارستان و صرف نگاهداری فقرا بشود مگر نه اینطور است؟ (نمایندگان - خیر همین طور است) مگر این عرضی که کردم جایش عیبی داشت؟ (نمایندگان - خیر) ابدأ تصور نمی کنم برای این که همه مسلمان همه دارای عقیده دینانی ثابت مسلم هستند بنا بر این دیگر اشکالی بنظر بنده نمیرسد این نظریات بنده بود در کلیات لایحه حالا هر جایش که اشکالی دارد ممکن است آقای وزیر مالیه دفاع بفرماید

اعتبار (غیر کمیسیون) - عرض کنم که يك عرضی بنده قبلاً خودم داشتم راجع به این لایحه که آقایان اصلاح بفرمایند. قانون عنوانش این است که قانون مالیات بر ارث و انتقالات بلاعوض اول مالیات بر ارث دوم انتقالات بلاعوض (انتقالات بلاعوض) اضافه میشود. عرض کنم که این جا آقای اوحدی البته با آن منطقی قوی که لازمه استعداد خودشان است بیاناتی در کلیات فرمودند بنده هم یاد داشت کردم که جواب عرض کنم. فرمودند دو يك قسمت لایحه خوب تنظیم نشده است البته بهتر از این ممکن است تنظیم شود و بنظر بنده این اشکالی ندارد. ممکن است پیشنهاداتی تهیه بفرمایند می آید در کمیسیون ما در آنجا مطالعه میکنیم بحث میکنیم اگر يك وضعیت بهتری و سهولتری برای منظور دولت باشد ما قبول میکنیم. اما در قسمتی که فرمودند چرا اعلام و اطلاع را بزرگ و سایر مراجعی که معین شده است بدهند بنظر بنده هیچ اشکالی پیش نمی آید. يك مطلبی را که يك مأمور رسمی اطلاع میدهد بزرگ هم اطلاع بدهد و بزرگ هم ضمناً این وظیفه را داشته باشد تازه مانعی از نظر انجام مقصود نیست و البته هر قدر وسائل بیشتر باشد منظور دولت در وصول مالیات بهتر انجام میشود. فرمودند صورت دارائی را بر میدارند اگر توجه میفرمودند ما این را در تبصره ماده ۹ این کار را

منع کردیم. مأمورین مالیه بهیچوجه دارائی کسی را قیمت نمیکند و دارائی اشخاص را متعرض نمیشوند فقط قیمت خانه را تخمین میزنند قیمت خانه که معین شد صدی پانزده قیمت خانه را بعنوان قیمت ااثاثیه معین میکنند پس در این صورت هیچگونه مزاحمتی نیست که تصور شود که مأمور مالیه می رود توی يك خانه و ااثاثیه را تقویم میکند که این مبلغ است یا کم است یا زیاد است فرض میکنیم يك خانه را قیمت کردند ده هزار تومان البته پانزده درصد که یکهزار و پانصد تومان میشود برای قیمت ااثاثیه معین میکنند این اشکالی ندارد يك قسمتی را بیان فرمودند که چرا مبلغ کم است هزار تومان از صد هزار تومان برای مالیه میشود و بیشتر نمیشود و از طرفی بعد فرمودند که ارفاق کنند بنده نفهمیدم یکجا فرمودند که هزار تومان کم است از صد هزار تومان که کسی دارائی داشته باشد و از طرف دیگر میفرمایند ارفاق باید بشود منظور را بنده نفهمیدم چیست و حال آنکه البته منظور دولت این بوده است که چون قانون برای مرتبه اول است که در کشور تنظیم میشود حتی الامکان مزاحمت کم بشود و برای این که این قوانین تدریجاً جای خودش را بگیرد يك مبلغ کمی را در نظر گرفته اند. بنده عقیده ام اینست که وظیفه آقایان این است که بگویند کمتر بگیرند نه این که مبلغ کم است و برای دولت کمتر عاید میشود این را دولت خودش در نظر داشته است. قسمتی را هم که فرمودند بیشتر بگیرند و صرف مؤسسات عمومی و خیریه بشود بنده خیال میکنم با توجه و مطالعه که آقایان در بودجه ها میفرمایند میبینند که دولت بحمدالله کاملاً این نکته را متوجه است و در کلیه مؤسسات کشور بهیچوجه در بودجه هاشان تنگی و سختی نمیشود بهمه اضافه داده و باز میدهند و اگر ملاحظه کنید بودجه معارف را که اسم بردید نسبت به پنجسال قبل حالا تقریباً پنج برابر و شش برابر شده است (صحیح است)

رئیس - آقای ملک مدنی (اجازه)

ملک مدنی - بنده در جواب آقای نقابت اجازه خواستم آنکه عرض کنم که این طبقه بندی که شده است خیلی خوب

است همانطور که آقای وزیر مالیه فرمودند بهتر بود که پنج طبقه و شش طبقه بشود و بعقیده بنده کاملاً مقتضی بوده است که از طبقه اولی کمتر بگیرند و از طبقات بعد زیادتر آن کسی که طبقه اول و وارث اول است البته اولادش است و حقاً و از شش است و برای او هم اگر ارفاقی بشود بهتر است و همانطوری که خودشان هم استدلال فرمودند این مالیات برای آن طبقات بعد است نه برای طبقه اول.

رئیس - آقای مؤید احمدی.

مؤید احمدی - بنده عرضی ندارم. وارد مواد بشویم.

رئیس - آقای اوحدی

اوحدی - این تبصره ماده ۶ که مورد استناد آقای اعتبار واقع شده بنده می خوانم (قیمت ااثاثیه خانه مسکونی متوفی اعم از این که خانه ملکی یا اجاری باشد مقطوعاً از قرار ۱۵ درصد قیمت خانه تعیین خواهد شد) بنده خودم که سی سال است با قوانین مملکتی آشنا هستم از این تبصره چیزی نفهمیدم و من نفهمیدم مقصود چیست که این تبصره را در نظر گرفتند که دفاع کرده باشند از آن جمله که بنده عرض کردم بنده عرض کردم لازم نبود بان اشخاص متوسل شوند و این وظیفه را مدعی العموم و کلانتری ها صورت می دهند ایشان آمدند و متوسل شدند باین تبصره من که از این تبصره چیزی نمی فهمم ایشان مقصودشان این بود که مأمورین چیزی را قیمت نمی کنند اما بنده از این تبصره این را نمی فهمم ااثاثیه را ۱۵ درصد قیمت خانه قیمت کنند یعنی چه؟ بنده مأمور دولت هستم بر حسب اتفاق آمده ام يك خانه را اجاره کرده ام ماهی صد تومان آنهم اجاره خانه که امروز اینطور دارد پیش می آید که در مهرماه یکی از کسان خودم يك خانه اجاره ای داشته ماهی سی تومان در آن بان داده است پنجاه تومان آنوقت خانه را که بنده با نظریق اجاره می کنم میخواهید بیاید قیمت کنند این خانه که در ماه پنجاه تومان اجاره دارد چقدر قیمت دارد؟ مثلاً می گویند بیست و پنجاه هزار تومان قیمت دارد آن وقت می گویند که متناسب با خانه بیست و پنجاه هزار تومان قیمت بایستی پنجاه هزار تومان هم ااثاثیه باشند

بنده که چیزی نمی فهمم این تبصره را انشاء الله خودشان اصلاح خواهند فرمود اما اینکه مسئله ارفاق را به بنده تذکر دادند و خواستند بروی بنده بکشند که یکجا ارفاق می خواهید و یکجا می گوئید زیاد است مقصود من از ارفاق این بود که طبقه اول استحقاقشان بماترك متوفی زیاد تر است تا طبقه دوم و سوم از این جهت گفتم که يك قدری نسبت طبقه اول مدارا شود برای این که علتش را هم توضیح دادم که يك نفر میبرد پنج تا هفت تا صغیر دار اینها باید مدرسه بروند درس بخوانند بزرگ شوند هفت سال هشت سال ده سال اگر فتاری دارند بنا بر این باید از این ماترك استفاده کنند رعایت حال آنها را باید کرد که از تکدی و بی چیزی آنها جلو گیری بشود اینجا می بینم که می گویند زوجه اگر مهریه اش را نگرفته است که می گیرد ولی جهیزه اش را اسم نبرده اند جهیزه که دیگر مال خود او است و باید استثنا بشود اگر يك کسی يك خانه مختصری دارد آنرا از مالیات معاف بدارید ولی البته اگر کسی دو تا سه تا خانه داشت بگیرد ولی يك دست خانه ر برای چهار بچه بگذارد و منها کنید از بیشترش هر چه می خواهید بگیرد بنا بر این بنده چیزی برخلاف عرض نکردم.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده خیلی متأسفم مذاکراتی که لازم است بشود در موقع کلیات آقایان اجازه نخواستند یا موقع نرسید و حالا قسمت هائی را که آقایان اجازه می خواهند اغلب راجع بمواد است و در این قسمت باید بنده يك نکته را توضیح بدهم . اولاً این را که می فرمایند که لایحه را بهتر از این باید تهیه کرد دولت نظر خودش را نوشته است و آورده است به مجلس و مخصوصاً آقای وزیر مالیه در نظر گرفتند که با این که در صدر لایحه خودشان نوشته بودند فوری باشد فوریتش را پس گرفتند و دو شوریش کردند که بهتر تنظیم شود پس نمی شود گفت که بد تنظیم شده اگر نظر بنده این است که این

ماده خوب نیست پیشنهاد می کنم می رود در کمیسیون و خودم هم میروم در کمیسیون و توضیح می دهم در شور اول نشد در شور دوم باز راه اصلاح باز است اما قسمت های دیگری که فرمودند جایش اگر چه در مواد است ولی توضیحاتی لازم است داده شود می فرمایند يك عده که فقیرند و طبقه اول هستند آنها را معاف کنیم بنده عقیده ام این است که دولت در این لایحه ارفاق را بطریقی قائل شده است که آن شخصی که شما می فرمائید که ده تا اولاد دارد پنج تا اولاد دارد مشمول مالیات نمی شود اگر کسی ده هزار تومان دارائی دارد و پنج تا اولادش اولاد دارد آنها را مشمول نمیشود و مالیات نمیدهند پس در این قسمت کاملاً ارفاق شده است و نسبت طبقه اول اشکالی ندارد و این که فرمودند تبصره ماده ۶ را که قسمت صدی پانزده اثنائیه نوشته شده ملتفت نشدند مطلب این است : اولاً حقیقتاً بنده تشکر میکنم از آقای وزیر مالیه که در این قانون نظر داشته اند که مأمورین دولت تماسی با اشخاص نداشته باشند ملاحظه فرمائید هیچ جانیست که مأمور دولت برود از آنها مطالبه و تقاضا کند . آنها باید اظهار نامه را بدهند و ممکن است در اظهار نامه يك میزان را بنویسند و بعد مأمور مالیه اشکال کند خیر اثنائیه بیشتر بوده است آنوقت در نتیجه مجبور میشوند که بروند در خانه های مردم و اثنائیه و لباس آنهارا جستجو کنند و این اخلاقاً خوب نیست گفتیم چه بکنیم آمدند همینطور در نظر گرفتند که يك مبلغ معینی را قرار دهیم باسم اثنائیه که مأمور مالیه اثنائیه را از روی آن تعیین نماید و این را از روی خانه ها گرفتند البته ممکن است صدی پانزده که معین میکنیم يك کسی پنج برابر این اسباب و اثنائیه داشته باشد و ممکن هم هست که خانه اش محقر باشد لیکن در تویش قالیچه جفتی هزار تومان داشته باشد این اعتراض از آن راه وارد است ولی از آنطرف هم نظر این است که اسباب مردم را نزنند به بینند این بود که این نظر پیش آمد دولت اول در کمیسیون نظر داشت که صدی سی و پنج بگیرد ولی حد

اقلی که در نظر گرفته شد صدی پانزده بود و بعقیده بنده عادلانه است هر کس بقدر صدی پانزده قیمت خانه اش اثنائیه دارد بی انصافی نباید کرد حالا ممکن است يك کسی هم بیشتر داشته باشد آنها هم معاف بشوند و در این موضوع دولت در نظر داشت که صرفاً از همه مالیات نکند و مقصد هم این بود که ضمناً اثنائیه شان را نگاه نکنند اما این قسمت که فرمودند چرا پزشك اطلاع بدهد چه ضرر دارد ؟ اما اینکه راجع به مدعی العموم فرمودند این در صورتی است که صغیر داشته باشد اگر صغیر نداشته باشد که مدعی العموم اصلاً ملتفت نمی شود خیلی اشخاص ممکن است بمرند و مدعی العموم اصلاً مطلع نشود این است که قرار شد پزشك و متوفیات اطلاع بدهند حالا در خاتمه عرض میکنم هر نظری که دارید بعد در مواد که مذاکره میکنیم پیشنهاد کنید بیاید در کمیسیون تا در آنجا مذاکره و اصلاح کنیم.

رئیس - ماده دوم

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده دوم - اموال مشمول مالیات ارث عبارتست از طبقه ماترك متوفی اعم از منقول یا غیر منقول و مطالبات وصولی پس از وضع بدهی های محققه متوفی و هزینه هائی که در حدود عرف و عادت برای کفن و دفن متوفی و نظایر آن لازم است

رئیس - چون در ماده اول نوشته شده (مقررات ذیل) تصور می کنم اگر اسم ماده دوم برده نشود بهتر است چون مینویسد (مطابق مقررات ذیل) و اگر ماده ذکر نمیشد بهتر بود . چند پیشنهاد رسیده است قرائت میشود .

پیشنهاد آقای روحی

پیشنهاد میکنم که در ماده اول بجای کلمه اخذ خواهد شد نوشته شود (گرفته خواهد شد)

پیشنهاد آقای کاشف

اینجانب پیشنهاد می نماید که در ماده دو بعوض عبارت (مطالبات وصولی) (مطالبات قابل وصول) ذکر شود .

پیشنهاد آقایان معدل - نمازی - نراقی

پیشنهاد می نمایم ماده ۲ بشرح زیر اصلاح شود :

ماده ۲ - اموال مشمول مالیات ارث عبارتست از کلیه ماترك غیر منقول متوفی و مطالبات و مال التجاره و موجودی در بانکها و سهام مؤسسات و شرکتهای پس از وضع بدهی های محققه متوفی و هزینه هائی که در حدود عرف و عادت برای کفن و دفن متوفی و نظایر آن لازم است .

رئیس - ماده سوم قرائت میشود

(اینطور خوانده شد)

ماده سوم - مقصود از بدهیهای محققه نام برده در ماده قبل بدهی هائی است که طبق مدارك قانونی قابل پرداخت باشد .

تبصره ۱ - بدهی که متوفی به وراث خود دارد ولو آنکه مستند بمدارك قانونی هم باشد برای تعیین مالیات از ماترك کسر نخواهد شد . باستثنای مهریه زوجه در صورتیکه پرداخته نشده و میزان هم در حدود عرف و عادت باشد .

تبصره ۲ - اگر متوفی تاجر باشد در صورتی میتوانند بدهی های او را از ماترك کسر کنند که بدهی های مزبور در دفاتر تجارتهای متوفی ثبت شده باشد .

رئیس - آقای طباطبائی (اجازه)

طباطبائی - عرض کنم در آخر تبصره يك مینویسند : باستثنای مهریه زوجه و میزان آنها در حدود عرف و عادت . بطوری که در کمیسیون مذاکره شد نظر آقای وزیر مالیه هم کاملاً موافق با این اصل بود که در اینجا هر قدر تماس مأمورین با مردم کمتر باشد و هر قدر در اجرای مواد از اختلافات متصوره جلو گیری بشود به نفع دولت و مردم خواهد بود ولی این جا این قید بنظر بنده با این منظور مناسب نیست و تولید اختلاف خواهد کرد یعنی اگر میزان مهریه را در خود قانون معین بکنیم بهتر است تا محول به عرف و عادت نمائیم و از روی اوضاع و احوال زوجه و استعداد مالی زوج تعیین بشود و این يك چیزی نیست که در عرف و عادت محدود باشد مثلاً میزان معافیت را پنجاه هزار ریال قرار دهند که تا این میزان معاف باشد و از آن بیابا را اگر بخواهند مالیات بگیرند

رئیس - آقای اعتصام زاده (اجازه)

التصام زاده - بنده نظرم این بود که در آخر ماده عبارت طوری نوشته شده که اینطور مستفاد میشود که اگر چنانچه مهریه در حدود حرف و عادت باشد آن را مستثنی نتوانند کرد این بود که بنده پیشنهاد کردم که این عبارت اصلاح شود.

وزیر مالیه - نظر دولت و کمیسیون قوانین مالیه اینطور بود که این قانون طوری نوشته شود که تماس مأمورین با مردم کمتر شود یعنی اختلافات از بین برداشته شود تا تماس هم کمتر شود ولی بعضی اوقات اگر بخواهیم افراط از این قسمت کنیم اصل موضوع از بین میرود مثلاً مهریه يك چیزی است که شرایط مخصوصی دارد اصلاً بسته به موقعیت و وضعیت اشخاص است این است که این طور در نظر گرفته اند که يك آدمی که دارائش فرضاً يك هزار ریال است و در آمدش در ماه دویست ریال اگر مهریه معین کند پنجاه هزار ریال یا ده هزار ریال این بسته خیلی زیاد است و معلوم میشود که متناسب با زندگی او نیست ولی اگر يك آدم متمکن و متمول يك مهریه پانصد تومان معین کند این چندان زیاد نیست چون يك کسی که دارای پنج میلیون ریال است اگر پنجاه هزار ریال مهریه برای زنش معین کند کم است پس در این جا بهیچوجه ما نمی توانیم مبلغ را معین کنیم برای اینکه ممکن است در يك مورد اجحاف باشد و در يك مورد تبادیر لهدا در این جا مامجبور هستیم که این را موکول کنیم که در این موارد وضعیت را ببینند و البته نباید این را اغراق آمیز گفت که يك چیزی که اول بقضاوت مأمورین دولت و بعد هم به تشخیص کمیسیون معین می شود و بعد هم به محاکمات مالیه می رود حتماً غلط گرفته می شود خیر نباید این طور تصور کرد و باید تصور کرد که اکثر آدرست در می آید این است که را جمع به مهریه بنده تصور می کنم که اگر مبلغ را معین کنیم اسباب زحمت خواهد شد و منظور هم بعمل نمی آید زیرا ممکن است مبلغ کم باشد و یکمده بی نجهت معاف باشند و نسبت بعضی هم اجحاف شود و اینکه پیشنهاد فرموده اند که پنجاه هزار

ریال باشد ممکن است این تمام دارائش بعنوان مهریه زینش برود و اصلاً تالیاتی و ضول نشود

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده راجع به تبصره دوم عرض دارم در تبصره دوم مینویسد: اگر متوفی تاجر باشد در صورتی میتوانند بدهی های او را از ماترك گسر کنند که بدهی های مزبور در دفاتر تجارتي متوفی ثبت شده باشد. بنده عقیده ام این است که برای اسناد رسمی ما رسمیت قائل هستیم اعم از اینکه تاجری چیزی را نوشته باشد در دفترش یا نوشته باشد اگر نگاه به سند رسمی است بنده عقیده ام این است چیزی که مستند بسند رسمی باشد باید معاف باشد ممکن است يك بدهی تاجر داشته باشد ولی در دفترش نوشته باشد ولی طرفش سند رسمی در دست دارد البته این باید معاف باشد ولی این که مقیدش کنیم که حکماً باید در دفترش باشد بنده عقیده ندارم مگر اینکه بگوئیم در این جا به سند رسمی نظری نداریم اگر در دفتر باشد قبول داریم اگر این طور باشد بنده عرضی ندارم ولی اگر این طور نباشد و با بودن سند رسمی اگر در دفتر قید نشده باشد قبول نیست بنده قبول ندارم.

مخیر - عرض کنم ما نظرمان در این جا به قانون تجارت است البته مطابق قانون تجارت تاجر باید دفتر پلمپ شده و رسمی داشته باشد و از روی آن مناسب تر است البته اسناد رسمی هم صحیح است و اما يك موضوعی را بنده می خواهم به آقای طباطبائی و آقایان دیگری که می خواهند پیشنهاداتی در این زمینه بدهند عرض کنم که این حرف و عادتی که این جا نوشته شده است ممکن است اوضاع و احوال اسمش را بگذاریم منظور کمیسیون روی عرف و عاداتی است که بیشتر در خارج است برای اینکه در ولایات بیشتر يك ده شش دانگ را مهریه می کنند و این از آن مبلغی است که آقا میفرمایند خیلی زیاد تر است (طباطبائی - آری) را بگیرند چنه اهمیت دارد (منظور از عرف و عادت این است که معمول به

دوره یازدهم قانون گذاری

مذاکرات مجلس

باشد و نظائر داشته باشد و اگر يك مبلغی را معین نمائید این موارد را مشمول نمی شود در ولایات گاهی دیده می شود که مقدار مهریه بیش از این مبلغی هم هست که شما معین کردید برای اینکه نظائر دارد و عرف و عادت محل این است و این بصلاح مردم هم نیست

رئیس - آقای مؤید احمدی (اجازه)

مؤید احمدی - بنده لازم دانستم يك موضوع را تذکر بدهم که اشتباه نشود عرض کنم که دولت مالیات بر ارث میگیرد این قانون مالیات بر ارث است زوجه هم اگر سهم ببرد از مالیه زوج مالیات میدهد زن ارث میبرد از مرد اگر اولاد داشته باشد که هشت يك میبرد و اگر نداشته باشد چهار يك و مالیات آنرا می پردازد و اینکه مهریه مستثنی شده است برای این است که در آن قسمت وارث نیست این دینی است که شوهر دارد نسبت بزینش چون مشمول ارث نیست والا از ارثش البته مالیات می دهد حالا البته آن قسمتی که مهریه را پرداخته اند که محل بحث نیست لیکن اخلاقاً در ایران می دانید که زنها در دو موقع مطالبه می کنند یکی در وقت تفریق یکی در وقت فوت مثلاً مهریه اش را از شوهرش نگرفته است حالاً شوهرش مرده و می خواهند مهریه اش را بدهند این ارث نیست این دین است شوهرش مرده است و می خواهند دین او را بدهند و اینکه آقا می فرمایند که محدود کنند به پنجاه هزار ریال این خوب نیست چون ما يك قانونی داریم در قه که مهر زن را روی امثال و اقران و کسانش معین می کنند و این همان عبارت عرف و عادت است که اینجا نوشته شده و خیلی خوب است. اگر مهر المثل ذکر نشده باشد چه میکنیم در شرع؟ رجوع میکنیم به بینیم خواهرش چقدر مهر داشته مادرش چقدر مهر داشته چون قاعده دارد روی قاعده نوشته شده است شاید مرد صد هزار تومان یا پنجاه هزار تومان دارد شخصیتش را کاری نداریم و عرف و عادت بهترین قاعده است (صحیح است)

رئیس - عده ای از آقایان اجازه خواسته اند وقت هم خیلی مضیق است عصر هم کمیسیون است اگر پیشنهاداتی آقایان

دارند بدهند که بکمیسیون فرستاده شود آقای ملک مدنی (اجازه) **ملک مدنی** - عرض کنم بنده يك توضیحی دارم چون پیشنهادها بکمیسیون فرستاده می شود خواستم جلب نظر کمیسیون را بکنم اولاً موضوعی را آقای طباطبائی فرمودند و آقای اعتبار و آقای مؤید احمدی جواب فرمودند موضوعی است که قابل بحث و مذاقه است مهریه يك چیزی است که معلوم است و مسلم هر کس زن میگیرد يك مهریه معین می کند الان هم ما دفاتر رسمی داریم که هر کس زن می گیرد در دفاتر رسمی ثبت می شود حتی در بلوکات بالاخره کسیکه زن میگیرد در دفتر رسمی ثبت می کند ما ابدأ لازم نداریم کلمه عرف و عادت را برای اینکه اشکال تولید میکند و بحمدالله مملکت ما از آن مرحله اولیه که دفاتر ثبت و رسمیت نداشت خارج شده است حالا در يك مرحله ایست که هر کس می خواهد در شهر و درده خرید و فروش کند یا عقدی بکند در دفاتر رسمی باید باشد اما اگر عرف و عادت باشد این اسباب زحمت است خواستم این توضیح را عرض کنم که جلب نظر آقای مؤید احمدی بشود برای اینکه يك کسی میخواهد يك زنی بگیرد که مهریه اش را از معمول بیشتر قرار دهد در دفتر رسمی هم ثبت شده جزء دینش است و بر ذمه اش است و باید این دین تأدیه شود و بنده هم پیشنهاد کردم که آن کلمه عرف و عادت حذف شود و آن نظر آقای وزیر مالیه هم تأمین می شود این بالاخره يك دینی است که بایستی پرداخته شود

مخیر - پیشنهاد فرمائید در کمیسیون مذاکره میشود

[۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - مقداری پیشنهاد رسیده است که به کمیسیون فرستاده می شود پیشنهاد ختم جلسه هم شده است چون کمیسویی هست که آقایان باید لایحه دیگری مطالعه فرمایند جلسه را ختم میکنم.

جلسه آتیه روز یکشنبه هشتم آبان ماه سه ساعت قبل از ظهر دستور هم لوایح موجوده خواهد بود (مجلس ۱۵ دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری